



به مناسبت ولادت امیر المؤمنین علیه السلام

پیش از ورود به مطلب ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام (بنا به قول مشهور) را به تمامی شیعیان و برادران تبریک عرض کرده و آرزوی عاقبت بخیری برای همه خوانندگان گرامی دارم.

موضوع مطلب، همین مناسبت امروز (13 رجب) میباشد که منسوب به ولادت حضرت علی (ع) بوده و البته صرفاً قول مشهور است و هیچ منبع روایی ندارد.

پیشینه انتخاب امروز برای ولادت آن حضرت، به شاه سلطان حسین صفوی باز میگردد که از اختلاف نظر در این باره خشنود نبوده و می خواست روزی معین به عنوان روز ولادت امام علی علیه السلام رسمیت یابد و عید رسمی اعلام شود.

وی برای این کار علمای اصفهان را گردآورد و به عبارتی، یک مجمع علمی تشکیل داد. در این مجمع، به دستور شاه، مقرر شد تا هر کسی بر اساس منابع و مدارک و آنچه قبول دارد، نظرش را روی کاغذی بنویسد.

این کار انجام شد و در نهایت اکثریت علما و دانشمندان حاضر روز 13 رجب را پذیرفتند. شاه نیز به عقیده اکثریت احترام گذاشت و همان روز را به عنوان روز ولادت پذیرفت و رسمی کرد. این رسمیت سبب شد تا روز 13 رجب شاخص شده و به عنوان روز عید پذیرفته شود.

این جریان را مرحوم سید عبدالحسین خاتون آبادی از نویسندگان عصر صفوی روایت کرده و با ادبیات همان روزگار می نویسد که این عید، از مختصرات شاه سلطان حسین بن شاه سلیمان است.

به جز 13 رجب پنج تاریخ دیگر از جمله هفتم و بیست و سوم شعبان، نیمه ماه رمضان و دهه اول ذی الحجه نیز برای ولادت امیرالمؤمنین ع ذکر شده که برخی از موارد دارای منابعی از روایات هستند.

به جز بی سند بودن قول 13 رجب، به دو دلیل دیگر نیز این تاریخ برای ولادت آن حضرت مردود است.

اول اینکه طبق خلاصة التقویم مرحوم محمد کریم خان کرمانی اع سیزدهم ماه رجب نحوست مستمر داشته و بعید است چنین مولودی در چنین روزی متولد شود.

دوم اینکه در دعای ما رجب که توسط حسین بن روح اع از ناحیه مقدسه روایت شده، امام ع میفرمایند: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الثَّانِي وَابْنِهِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُتَنَجِّبِ**. و میبینیم که در ذکر ولادات ماه رجب ذکری از امیرالمؤمنین علیه السلام نمیشود.

از میان موارد دیگری که برای ولادت حضرت علی (ع) روایت شده، اقوای آن دهه اول ذی الحجه است که امام صادق علیه السلام طی حدیثی طولانی به ذکر آن پرداخته و در چندین کتاب معتبر روایی، روایت شده است.

متن حدیث به شرح زیر است:

حضرت صادق علیه السلام از پدران گرامی خویش علیهم السلام نقل می کند که فرمودند:

«روزی عباس بن عبدالمطلب و یزید بن قَعْنَب با جمعی از بنی هاشم و گروهی از قبیله بنی عبدالعزی در برابر خانه کعبه نشسته بودند. ناگهان دیدند فاطمه بنت اسد علیها السلام مادر امیرالمؤمنین علیه السلام به مسجد وارد شد. وی نه ماهه به حضرتش باردار بود و او را درد زایمان گرفته بود. پس در مقابل خانه کعبه ایستاد، نظری رو به آسمان کرد و گفت: «پروردگارا، من به تو، و به هر پیغمبر و رسولی که فرستاده ای، و به هر کتابی که نازل کرده ای ایمان آورده ام، و فرموده جدّم ابراهیم خلیل را تصدیق نموده ام، همان کس که خانه کعبه را بنا نمود. حال از تو به حقّ این خانه و کسی که آن را بنا نمود، و به حقّ مولودی که در شکم من است و با من سخن می گوید، و با سخن گفتنش مونس من شده است، و من یقین دارم که او یکی از آیات توست، قسمت می دهم که این زایمان را بر من آسان گردانی».

عبّاس و یزید بن قَعْنَب گفتند: وقتی فاطمه اینچنین دعا نمود، مشاهده کردیم دیوار عقب خانه کعبه شکافته شد و فاطمه از آن طریق وارد کعبه شد و از دیدگان ما پنهان گشت. مجدّداً آن شکاف به انز الهی به هم آمد. ما خواستیم که در خانه را بگشاییم تا زنان ما به نزد او بروند، امّا درب کعبه باز نشد. پس دانستیم که این امر از جانب خداوند متعال است. فاطمه سه روز در خانه کعبه بود و اهل مکه این واقعه را در کوچه ها و بازارها، و زنان در خانه ها نقل می کردند.

عباس گفت: وقتی روز چهارم فرا رسید، دیوار کعبه از همان موضع قبلی شکافته شد و فاطمه در

حالی که علی علیه السلام بر دستانش بود از خانه کعبه خارج شد.

پس فاطمه بنت اسد علیها السلام گفت: ای مردم، همانا خداوند مرا از میان خلقت برگزید، و مرا بر زنان برگزیده ای که پیش از من بودند، برتری داد. خداوند آسیه بنت مزاحم را برگزید درحالیکه او به شیوه پنهانی در جایی که عبادت حق تعالی در آنجا سزاوار نبود مگر به اضطرار (یعنی قصر فرعون)، به عبادت خداوند پرداخت. خداوند، مریم دختر عمران را برگزید و ولادت حضرت عیسی علیه السلام را بر او آسان کرد، و درخت خشکی را در بیابان جنباند و رطب تازه برای او فرو ریخت.

اما خداوند مرا برگزید و بر این دو زن و بر تمام زنان عالمیان که قبل از من بودند برتری بخشید، زیرا من در خانه برگزیده او، فرزندانم را به دنیا آوردم، و در آن خانه سه روز ماندم و از میوه ها و طعام های بهشتی خوردم.

وقتی خواستم با فرزندانم بیرون آیم، هاتفی از عالم غیب به من ندا کرد: « ای فاطمه، نام او را علی بگذار همانا من خداوند علیّ اعلی هستم و او را از قدرت، عزّت و جلال خویش آفریدم، و به او بهره کامل از عدالت خود بخشیدم. نام او را از نام مقدّس خود مشتق کردم، و او را به آداب خویش تأدیب نمودم، و امرم را به وی واگذار نمودم، و او را بر علوم پنهان و پیچیده خود مطلع کردم. او در خانه من به دنیا آمد و اولین کسی است که بالای خانه من اذان می گوید و بت ها را می شکند و از بالای آن به زیر خواهد انداخت، و مرا به بزرگی و مجد و یگانگی یاد خواهد کرد.

او امام بعد از محمد، حبیب من، پیغمبر من و برگزیده من از میان جمیع خلقم می باشد و وصیّ اوست. پس خوشا به حال کسی که او را دوست داشته و یارش نماید، و وای بر حال کسی که او را عصیان ورزیده، یارش نکرده و حقّش را انکار کند.

عباس گفت: وقتی ابوطالب فرزندش را دید خوشحال شد، و علی علیه السلام به پدرش سلام نمود. سپس رسول خدا صلی الله علیه وآله وارد شد. در این هنگام امیرالمؤمنین علیه السلام جنبید و خنده ای کرد و گفت: السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. سپس به اذن خدا به خواندن سوره مؤمنون پرداخت.

در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: به خدا قسم که تو امیر مؤمنین هستی، و علوم مورد نیازشان را به ایشان می رسانی، تویی رهنمای ایشان، و مؤمنین به تو هدایت می شوند.

پس رسول خدا صلی الله علیه وآله به فاطمه فرمود: برو و به عموی خویش حمزه نیز به ولادت علی خبر بده. فاطمه عرض کرد: اگر من بروم، چه کسی به او شیر خواهد داد؟ پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: من او را سیراب می سازم. پس حضرت، زبان خویش در دهان علی علیه السلام قرار داد و دوازده چشمه از زبان حضرتش در دهان امیرالمؤمنین علیه السلام جاری شد. به همین دلیل آن روز را روز تروییه نامیدند.

فردای آن روز، رسول خدا صلی الله علیه وآله بر فاطمه بنت اسد وارد شد. وقتی چشم علی علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه وآله افتاد، خندید و اشاره نمود: مرا بگیر و از آنچه دیروز به من

نوشاندی بنوشان، پس رسول خدا صلی الله علیه وآله وی را گرفت که چنین کند. در این هنگام فاطمه بنت اسد گفت: به خدای کعبه قسم که علی، رسول خدا صلی الله علیه وآله را شناخت، و به دلیل همین گفته فاطمه، این روز نیز به روز عرفه، یعنی روزی که امیرالمؤمنین علیه السلام رسول خدا صلی الله علیه وآله را شناخت، نامیده شد.

وقتی روز سوم یعنی روز دهم ذی الحجه شد، ابوطالب در میان مردم ندای همگانی داد که برای ولیمه فرزندم علی حاضر شوید. لذا دستور داد که سیصد شتر و هزار گاو و گوسفند قربانی کنند، و میهمانی بزرگی داد. به مردم نیز گفت: ای مردم، آگاه باشید هرکس می خواهد از طعام فرزندم بخورد، هفت دور خانه کعبه را طواف کند و بیاید بر فرزندم علی، سلام نماید، زیرا خداوند او را شریف و بزرگوار گردانیده است. پس به سبب این عمل ابوطالب، این روز به روز نحر (عید قربان) شرافت یافت». (بحار الأنوار، ج 35، ص 36-39 به نقل از امالی طوسی حلیه الأبرار، ج 1، ص 226-229)

روایت دیگری مشابه روایت فوق، در کتاب مناقب ابن شهر آشوب از حسن بن محبوب به نقل از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است. (بحار الأنوار، ج 35، ص 18 به نقل از المناقب)

طبق این روایت جناب فاطمه بنت اسد (س) از روز پنجم ذی الحجه وارد خانه کعبه شده و روز هشتم خارج شده اند و ولادت امیرالمؤمنین ع در هر کدام از این سه روز امکان دارد.

لازم به ذکر است این مطلب استخراج شده از کتب مرحوم محمد کریم خان کرمانی اع نمیباشد و ایشان نظر قاطعی در این خصوص نداشته اند.

به هر حال امروز بخاطر اینکه منسوب به امیرالمؤمنین علیه السلام بوده و اول ایام البیض ماه رجب است واجب الاحترام بوده و آن را بزرگ می‌شماریم.